اخبار

شبکه «امید» افتتاح شد

شبکه تلویزیونی امید با حضور رئیس سازمان صداوسیما فعالیت خود را به صورت رسمی آغاز کرد. به گزارش فارس، در مراسم افتتاحیه علی‌عسکری رئیس سازمان صداوسیما، مرتضی میرباقری معاون سیما، مهدی سالم مدیر شبکه امید و جمعی از نوجوانان حضور داشتند. علی‌عسکری با حضور در استودیو شبکه امید، ضمن مبارک دانستن تقارن میلاد امام رضا(ع) و افتتاح رسمی شبکه امید، دوران نوجوانی را مهم‌ترین دوران رشد و تعالی انسان دانست و گفت: هویت و شخصیت فردی انسان‌ها در این دوران شکل گرفته و مستحکم می‌شود، دورانی که با پویایی، انگیزه و نشاط برای تجربه کردن و شناخت خود و جهان همراه است و رسانه ملی باید بتواند به نیازها، پرسش‌ها و مطالبات نوجوانان درباره مسائل مختلف، پاسخ اقناع‌کننده بدهد. عسکری اظهار امیدواری کرد این شبکه تلویزیونی بتواند با برنامه‌ریزی درست و مناسب نیازهای روز نوجوانان و جوانان کشور را برآورده کرده و به ایجاد نشاط و پویایی در این قشر از جامعه کمک کند.

■■■

«همبازی» روی آنتن شبکه ۵

برنامه تلویزیونی «همبازی» با محوریت بررسی تولیدات و فضای بازی‌های دیجیتال و غیردیجیتال، از امروز روی آنتن شبکه ۵ می‌رود. به گزارش سوره سینما، بررسی و معرفی بازی‌های رایانه‌ای، بازی آپارتمانی، اسباب‌بازی و مهدکودک، گفت‌وگو با فعالان و کارشناسان این عرصه از جمله آیتم‌های این برنامه تلویزیونی است که در ۱۳ قسمت به همت جشنواره مردمی بازی عمار تهیه شده است. برنامه تلویزیونی «همبازی» به تهیه‌کنندگی محمدحسین بزرگی‌راد، سردبیری حسین گلزار و علیرضا بیات تولید شده و با اجرای مسعود غزنچای، از هفته آینده، روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه از ساعت ۱۶:۱۵ روی آنتن شبکه ۵ سیما می‌رود، تکرار برنامه هم روز بعد، ساعت ۱۱:۳۰ پخش می‌شود. کانال تلگرامی این برنامه هم به نشانی t.me/hambazi_tv جهت اطلاع‌رسانی و انتشار گزیده‌ای از برنامه راه‌اندازی شده است.

■■■

«به خاطر یک مشت علف» در نقد بروکراسی کشور

محمدعلی یزدان‌پرست، کارگردان مستند «به خاطر یک مشت علف» که اثرش در قالب بسته ویژه جشنواره عمار با عنوان «هدیه‌ای برای آقای رئیس‌جمهور» در حال نمایش است، گفت: «به خاطر یک مشت علف» درباره چند جوان تحصیلکرده است که توانسته‌اند دستگاهی را اختراع کنند که می‌تواند به تولید یک تن علوفه دامی در روز برسد و باعث صرفه‌جویی ۹۹ درصدی در مصرف آب کشاورزی شود و تحولی عظیم در صنعت کشاورزی ایجاد کند. به گزارش فردا، وی افزود: این تکنولوژی حدود ۴۰ سال است در آمریکا و استرالیا در حال اجراست و پس از اینکه آمریکا و استرالیا حاضر به تعامل تکنولوژی این دستگاه نشدند، تعدادی از جوانان دانشجو تصمیم به بومی‌سازی آن می‌گیرند و هم‌اکنون ۶ سال است طرح این دستگاه در جهاد کشاورزی در حال بررسی است و مسؤولان در حال کنکاش هستند که آیا این طرح برای کشور مفید است یا خیر. یزدان‌پرست تصریح کرد: مستند «به خاطر یک مشت علف» انتقادی نسبت به بروکراسی و جریانات اداری در ایران است که سدی در برابر تحقق اقتصاد مقاومتی است و تا زمانی که دلال‌بازی در کشور وجود داشته باشد، پیکره اقتصاد کشور ضعیف خواهد ماند و تحقق اقتصاد مقاومتی غیرممکن خواهد بود. علاقه‌مندان جهت دریافت و اکران این مستند می‌توانند به سایت اکران مردمی جشنواره عمار به نشانی Ekran.ammarfilm.ir مراجعه کنند.

شعر

از من پذیرا باش شعری اتفاقی را
از بین انبوه قوافی یک اقاقی را
شاه خراسان پای عشق و عاشقی بگذار
این بیت‌های در هم هندی عراقی را
بعد از تو آهوها پی صیاد می‌گردند
دنیا ندیده ست اینچنین سبک و سیاقی را
مستانگی‌ها را چگونه شرح باید داد
وقتی گرفتند از زبان شعر ساقی را
زاینده‌رودم در سرشتم ردی از دریاست
تا کی بگیرم سرنوشتی باتلاقی را
آقا به من فرصت ندادند این کبوترها
در نامه بنویسم تمام اتفاقی را...
دیگر مرا تاب سرودن بیش از اینها نیست
لطفا شما بنویس از این لحظه باقی را

اعظم‌سعادتمند

نگاهی به رمان «کتاب زندیق» اثر مصطفی جمشیدی

رئالیسم جادویی در ظلمت پهلوی

سیف‌الله نجاریان: داستان مدرن؛ واژه‌ای است که تعریف و توضیح آن کار یک مقاله بلند و حتی بیشتر از آن کتابی است، از این رو گفتن از آن در بضاعت یادداشت پیش رو نیست، به همین خاطر تنها به بیان کلیاتی از یک داستان مدرن اکتفا می‌کنیم تا به مطلوب اصلی این یادداشت دست پیدا کنیم. رمان «کتاب زندیق» اثر مصطفی جمشیدی را باید از رمان‌هایی دانست که واجد شرایط یک رمان مدرن است. به همین منظور در ادامه مولفه‌هایی که صحت این ادعا را روشن می‌کند برمی‌شماریم. در این رمان که بتازگی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی روانه بازار کتاب شده، جمشیدی به تعبیر خودش دست به «تردستی» زده و خواننده را جادو کرده است. از این حیث باید رمان «کتاب زندیق» را در زمره آثار رئالیسم جادویی که از گونه‌های ادبیات مدرن قرن بیستم محسوب می‌شود، برشمرد.

در این رمان جمشیدی سراغ برهه‌ای از تاریخ معاصر رفته که تا پیش از این کمتر یا بهتر است گفته شود اصلا مورد توجه نویسندگان جریان موسوم به شبه‌روشنفکری نبوده است، حمله متفقین و وقوع قحطی بزرگ و به دنبال آن مهاجرت بخش زیادی از ایرانیان از کشور. این مساله که حواشی آن در روزگار کنونی نیز دیده می‌شود از این حیث که موجب نسل‌کشی گسترده‌ای شده اهمیت دارد و جریان شبه‌روشنفکری که همواره مدعی پرداختن به مسائل مهم ملت بوده از این مساله به‌خاطر منافع گروهی چشم پوشیده است.

جمشیدی در این رمان روایتی سیال را با استفاده از اسطوره‌های ایرانی و با بهره بردن از قصه‌هایی که سینه به سینه از طریق نقل به دست امروزی‌های رسیده، شکل داده و خواننده را وارد دنیایی متفاوت می‌کند. شاید این مساله سبب شود خواننده با رمانی مواجه شود که نتواند راحت از آن عبور کند و باید روی خط به خط آن درنگ کند. این مساله ناشی از آن است که جمشیدی در این رمان زبان مختص به خود را به کار برده و همین موجب ایجاد شدن نثری ویژه شده که چالشی پیش روی خواننده قرار می‌دهد.

فضای وهم‌آلود رمان بویژه در سفری که ۲ شخصیت اصلی آن به منظور دیدن ساوالان آغاز می‌کنند موجب نزدیک شدن این اثر به متن‌های گونه رئالیسم جادویی می‌شود و این نخستین نکته‌ای است که در مواجهه با متن مصطفی جمشیدی، خواننده را امیدوار می‌کند و به او نوید می‌دهد شاهد متنی است متفاوت در میان آثار ایرانی که اغلب کپی‌های ناشیانه از آثار غربی و بعضا داخلی هستند. در این سفر خواننده علاوه بر اینکه با نمادها و اسطوره‌ها روبه‌رو می‌شود، در سفری بیرونی به داخل شخصیت‌ها نیز سرک می‌کشد و سفرها نمادی از بازگشت به اصل خویشتن است.

یکی از ویژگی‌هایی که برای رمان‌ها و داستان‌های رئالیسم جادویی شمارش می‌کنند این است که ساختار کلاسیک مبتنی بر فهم متعارف از «علت- معلول» و «زمان – مکان» و شخصیت‌پردازی رایج داستانی فرو می‌ریزد. در این اثر نیز ما شاهد همین مساله هستیم و زمان و مکان بدرستی روشن نیست و خواننده متوجه نمی‌شود که در چه زمانی است و گذر زمان روشن نیست. همچنین شخصیت‌پردازی در «کتاب زندیق» فاقد آن مولفه‌های مرسوم در داستان‌های پیشامدرن است و خواننده خود باید شخصیت را در داستان بسازد و در ذهنش آن را بپروراند. انسانی که رئالیسم ادبی می‌پروراند، انسانی تحمیق شده و فاقد معنا و فاقد آرمان و گرفتار بحران هویت و منفعل است که آنچنان مستغرق وهمیات شده است که توان تشخیص امور جدی و حساسیت نشان دادن نسبت به آنها را ندارد، این مساله درباره شخصیت‌های این رمان با اندکی اغماض قابل طرح است. شخصیت‌های این رمان نیز پیوسته در رویا و امور غیرضروری سیر می‌کنند و اراده‌ای بر امور نداشته و نمی‌توانند میان آنچه باید به آن اقدام کنند با دیگر امور تفاوتی قائل شوند. البته نباید نادیده انگاشت که شخصیت‌های این رمان‌ها همه باورپذیر و ایرانی هستند و درد و رنجی را متحمل شده‌اند و این در بافت رمان به چشم می‌آید. خواننده شاهد این درد و رنج است و شاید فراموشی گذشته شبب شده چنین رنج‌هایی بر شخصیت ایرانی تحمیل شود. خواننده درمی‌یابد که در سفری که شخصیت‌ها آن را آغاز می‌کنند، دچار نوعی تذکر و یادآوری گذشته خویش هستند که بر اثر غفلت دچار این مشکلات شده‌اند.

روایتی که جمشیدی به واسطه شخصیت‌ها ارائه می‌کند، خواننده را وارد فضایی می‌کند که کاملا بومی است و خرده‌روایت‌ها در پررنگ شدن این فضا نقش مهمی دارند. بهره‌گیری از حکایت‌ها، متل‌ها، مثل‌ها، قصه‌های کهن و افسانه‌های پیشینیان به نویسنده کمک کرده بتواند در خلق موقعیت و فضایی که خواننده ایرانی با آن بیگانه نباشد موفق ظاهر شود.

یکی از ویژگی‌هایی که درباره «کتاب زندیق» در قیاس با دیگر آثاری که این روزها نوشته و منتشر می‌شوند باید مورد اشاره قرار گیرد دوری از فضاهای بسته است. نویسنده در این رمان خواننده‌اش را به فضاها و موقعیت‌هایی می‌برد که همه ناشی از تجربه‌های نویسنده است. او رمانش را در آپارتمان، یک خیابان و در بهترین حالت یک شهر ترسیم نمی‌کند، بلکه دست خواننده را گرفته و او را با خود به کوه، دشت، صحرا و حتی فرامرز ایران می‌برد و تجربیات خود را با خواننده قسمت می‌کند. غربت شخصیت‌های ایرانی یکی از وجوهی است که در این رمان می‌توان آن را سراغ گرفت. ظلمی که بر اثر تجاوز بیگانه و بی‌کفایتی داخلی‌ها بر مردم ایران رفته و منجر به مهاجرت آنها شده سبب می‌شود که غربتی ملموس در رمان مشهود باشد و همین مساله خواننده را در برمی‌گیرد. یکی از ویژگی‌هایی که درباره داستان‌های مدرن برمی‌شمارند، نزدیک شدن آنها به نثری شاعرانه و گاه اجمالی است. در این رمان خواننده علاوه بر مشاهده این نثر شاعرانه شاهد این است که نویسنده خیلی وارد مفصل‌نویسی نمی‌شود و هرجا ضرورت دارد ورود می‌کند و همین سبب می‌شود نثر حالتی موجز داشته باشد. این نکته زمینه‌ساز مشارکت فعال خواننده در خوانش متن می‌شود. این یکی از ویژگی‌های متون مصطفی جمشیدی است که در دیگر آثار او نیز بروز پررنگی دارد. از این حیث شاید خواننده‌هایی که عادت به خواندن متونی دارند که نویسنده سیر تا پیاز اتفاقات، شخصیت‌ها و... را در داستان برای آنها شرح داده، در مواجهه با این رمان آن را متنی سخت‌خوان بیابند، در صورتی که این ویژگی نثر مصطفی جمشیدی است. به تعبیری این متن پیشنهاد تازه‌ای به خواننده ادبیات داستانی ارائه می‌کند و از او می‌خواهد با نگاهی متفاوت به مقوله داستان بنگرد. از آنجا که گفته شد این رمان یک نمونه ایرانی از رئالیسم جادویی به شمار می‌رود باید یادآوری کرد که با توجه به اینکه رئالیسم جادویی، مایه‌های پررنگ اروتیک دارد و حتی می‌توان گفت نوعی جنون اروتیک بر فضای داستان‌های رئالیستی جادویی حکمرانی می‌کند اما در این رمان عریان‌گری و حتی نوع پیشرفته و جنون‌آمیز هرزه‌نگاری حذف شده و این دستاورد بزرگی است که در این اثر خواننده با آن رودررو می‌شود و از این حیث باید به نویسنده تبریک گفت که توانسته علاوه بر استفاده از تجربیات داستان‌نویسان غربی، آن را بومی کرده و با فرهنگ خودی مطابق کند. در واقع نثر مصطفی جمشیدی مختص به خودش است و جهان داستان او جز با همین زبان خاص ساخته نمی‌شود و جمشیدی با بهره بردن از زبانی متمایز از آثار رایج این روزهای ادبیات داستانی کشور، سعی در خلق ادبیاتی متفاوت دارد. با وجود اینکه در این رمان شاهد یک تجربه متفاوت در فرم و بیان داستان هستیم باید گفت که دستاورد قابل توجهی برای نویسنده ایرانی محسوب می‌شود و مصطفی جمشیدی که همواره آثارش حامل یک تجربه جدید در فضای ادبیات داستانی است توانسته تجربه‌ای دیگر را به جامعه ادبی ارائه کند و به خوانندگان آثار داستانی در این عرصه پیشنهادی تازه بدهد. رمان ۲۳۰ صفحه‌ای «کتاب زندیق» به قلم مصطفی جمشیدی که انتشارات علمی و فرهنگی آن را منتشر کرده با قیمت ۱۵هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان به ادبیات داستانی قرار دارد.

آتش به اختیار

نگاهی از یک اقدام خودجوش فرهنگی

نفحاتی از جنس نور

مسعود سیاف‌زاده: در سال ۹۳ باهدف اعتلای فرهنگ قرآن و قرآنی شدن و با توجه به خلأها و نیازهایی که احساس می‌شد و همچنین مشورت‌هایی که با بعضی افراد آگاه در این زمینه داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که باید یک پایگاه یا یک مجموعه قرآنی داشته باشیم تا بتوانیم فرهنگ قرآنی را در حد توان خودمان گسترش دهیم اما به خاطر مشکلاتی که وجود داشت وقفه‌ای ایجاد شد تا در سال ۹۴ که به یاری خدا توانستیم به‌صورت رسمی فعالیت قرآنی را آغاز کنیم و مجموعه قرآنی «نفحات‌القرآن» را تأسیس کردیم. مجموعه نفحات‌القرآن اکنون بیش از ۲ سال است در جلسات هفتگی عصر جمعه خود آموزش‌های گوناگونی در زمینه قرآن از جمله تجوید، تلفظ صحیح حروف و آموزش صوت لحن به صورت سنتی و در قالب محافل قرآنی همراه با آموزش برگزار می‌کند. فعالیت دیگر نفحات‌القرآن، آموزش قرآن به‌صورت آکادمیک است که در آنجا آموزش به‌صورت منظم‌تر و دوره‌ای برگزار می‌شود که بستر این نوع آموزش در جلسات عمومی فراهم نیست. به طور مثال در این دوره‌ها قرآن‌آموزان از لحاظ سنی و سطح آموزشی تفکیک شده‌اند، این کارگاه‌های آموزشی به‌صورت دوره‌ای برگزار می‌شود که از طریق فراخوان به اطلاع عموم می‌رسد و در صورت رسیدن به حد نصاب در دوره‌های ۳ ماهه و ۴۵ روزه برگزار می‌شود که تاکنون نیز ۴ دوره آن برگزار شده و قرآن‌آموزان زیادی تربیت شده‌اند. دوستان قرآنی در مجموعه نفحات‌القرآن با توجه به اهمیت فضای مجازی و هجمه‌های فرهنگی که در فضای مجازی وجود دارد، ضروری دانستند پایگاه مجازی نیز برای فعالیت‌های قرآنی ایجاد کنند که نخستین فعالیت آن ایجاد سایت خبری و اطلاع‌رسانی جلسات «نفحات‌القرآن» بود که در این سایت اطلاع دقیق از زمان و مکان برگزاری جلسات قرآن در مناطق مختلف در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد و افراد می‌توانند برحسب زمانی که دارند در جلسات دلخواه خود شرکت کنند. همچنین از دیگر فعالیت‌های قرآنی در فضای مجازی می‌توان به ایجاد کانال در آپارات و یوتیوب و ایجاد صفحه اینستاگرام و کانال تلگرامی برای اطلاع‌رسانی تلگرامی از جلسات قرآن و هم ارائه فایل‌های صوتی و تصویری جلسات به کسانی که توفیق حضور در جلسه قرآن ندارند، اشاره کرد. البته خود این کانال هم یک جلسه قرآن مجازی به‌حساب می‌آید. اما یکی از مهم‌ترین اقداماتی که به یاری خدا و با توجه به منویات رهبر معظم انقلاب توانستیم انجام دهیم ایجاد کرسی تلاوت بود. رهبر انقلاب اسلامی در یکی از دیدارهایی که با جامعه قرآنی داشتند، تاکید کردند: «یکی از کارهای لازم در کشور، رواج جلسات «تلاوت و استماع» قرآن است. همانگونه که جلسات عزاداری یا سرور برای اهل‌بیت (علیهم‌السلام) برگزار می‌شود، جلسات قرآنی نیز باید گسترش پیدا کند تا سرعت رشد مفاهیم قرآنی افزایش یابد (خرداد ماه ۹۵)». و نیز در جایی دیگر فرمودند چه اشکالی دارد جلساتی داشته باشیم فقط برای شنیدن قرآن. بعد از این سخنان رهبر معظم انقلاب به این فکر افتادیم که کرسی‌های تلاوت را به صورت مردمی راه‌اندازی کنیم. کرسی‌های تلاوت در مقابل کم‌کاری مسؤولان و باوجود فربه شدن دستگاه‌های فرهنگی و با هدف و باور توسعه فرهنگ قرآنی تشکیل شد. اهداف این طرح قرآنی همانند اهدافی است که انقلاب اسلامی براساس آن شکل گرفت. در بحث انقلاب، اگر کسی بخواهد خود انقلاب را هدف قرار دهد، دچار پسرفت می‌شود، ما انقلاب کردیم تا تمام اهداف عالیه را جلوی پایمان ببینیم اما اگر اهداف را در پشت سرمان مشاهده کنیم، یقیناً با شکست مواجه خواهیم شد.

کرسی‌های تلاوت نفحات، وسیله‌ای برای گسترش فرهنگ قرآنی است که ابتدا با نیت گسترش فرهنگ قرآنی در یکی از مساجد منطقه شکوفه شکل گرفت و سپس بتدریج در سراسر شهر تهران گسترش یافت تا جایی که هم‌اکنون علاوه بر تهران در شهرستان‌ها نیز از این طرح استقبال می‌کنند. همانطور که در بالا اشاره شد این کرسی‌ها را به‌صورت مردمی و خودجوش و با تلاوت هفتگی در یک مسجد آغاز کردیم و الان به تلاوت هفتگی در چندین مسجد رسیدیم، یعنی چند قاری در چند مسجد کرسی تلاوت دارند، این کار هم باعث تشویق قاری قرآن می‌شود و قاری برای اجرا ناگزیر است تلاوت خود را بهتر کند و هم مردم از این کرسی‌های تلاوت بسیار استقبال می‌کنند و از آن لذت می‌برند.

بعد از گذشت مدتی از اجرای این طرح و با توجه به نیاز جامعه به مرور تصمیم گرفتیم علاوه بر مساجد به اماکن دیگری که نیاز بیشتری به قرآن دارند، برویم و مثلاً این طرح را در بازار و در ادارات برگزار کنیم. به مدارس پایین شهر تهران رفتیم و در مناسبت‌های مختلف نیز کرسی‌های تلاوت را در آن اماکن برگزار کردیم. به طور نمونه در ایام حوادث ساختمان پلاسکو به ایستگاه آتش‌نشانی رفتیم و طرح را در آنجا برگزار کردیم یا در ایام نوروز به مناطق جنگی جنوب کشور اعزام شدیم و کرسی‌های تلاوت را در مناطق جنگی برگزار کردیم. یکی از نکات حائز اهمیت در طرح کرسی‌های تلاوت این است که حضور و تلاوت قاریان در این جلسات بدون چشمداشت مادی و مالی است و شاید به جرات بتوان گفت از دلایل موفقیت این طرح در نفحات‌القرآن همین موضوع باشد. از سوی دیگر در کنار طرح کرسی‌های تلاوت، طرح تدبر و تفسیر راه‌اندازی شده است و به واسطه آن، به برگزیدگان و نوجوانان هدایایی داده و این مساله سبب شده نوجوانان رغبت بیشتری به جلسات پیدا کنند و به همین واسطه با قرآن آشنایی و انس و الفت پیدا کنند. همچنین در کرسی‌های تلاوت به کودکان زیر ۱۰ سالی که در مراسم شرکت کنند بدون مسابقه جوایزی اهدا می‌شود تا همین امر باعث تشویق کودکان و ایجاد ذهنیت مثبت آنها نسبت به جلسات قرآن شود. در آینده طرحی را درباره سیر در آیات خواهیم داشت و کارگروهی تشکیل خواهیم داد تا هم عموم مردم نسبت به آیات و هم قاریان نسبت به آیات تلاوت‌شده آشنایی کامل داشته باشند و بدین صورت خواهد بود که مثلاً آیات اعتقادی در یک بسته و یک جمع‌آوری و در اختیار مردم قرار گیرد.

رویدادها

سریال طنز سیاسی «گسل» در تلویزیون

مجموعه تلویزیونی گسل به کارگردانی علیرضا بذرافشان بعد از مجموعه پرستاران روی آنتن شبکه یک سیما می‌رود. در سریال «گسل»، بیژن امکانیان در نقش محسن اعتبار، فلور نظری لیلا همسر اعتبار، سام درخشانی عرشیا، کارمند و محافظ اعتبار، محمد فیلی پدر اعتبار، مهتاج نجومی مادر عرشیا، ستاره حسینی مرضیه اعتبار فرزند محسن و لیلا نقش‌آفرینی می‌کنند. «گسل» با نام قبلی «بی‌نمک» کمدی اجتماعی- سیاسی است که در ۴۰ قسمت برای شبکه یک سیما تولید می‌شود. قصه این سریال درباره یک معاون وزیر است و سام درخشانی نقش بادیگارد و محافظ وی را بازی می‌کند که داستان حول محور او می‌چرخد.

■■■

«علی بی‌خیال» خواندنی شد

کتاب زندگینامه و خاطرات شهید علی حیدری معروف به علی بی‌خیال، بتازگی توسط گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی منتشر شده است. به گزارش مهر، یکی از دوستان این شهید درباره اینکه او تاریخ شهادتش را می‌دانست، می‌گوید: خیلی‌ها فکر می‌کنند علی به واسطه دعا و نماز به این مقامات رسید. اما چیزی که باعث شد علی به جایی برسد که تاریخ شهادتش را بداند، این بود که درد گرسنه‌ها را داشت. یکی از نزدیکان او می‌گوید روزی پدرش برای علی کفشی نو از چرم قهوه‌ای خریده بوده و علی از قبولش امتناع می‌کرده است اما با اصرار مادرش کفش را قبول می‌کند. دوست این شهید روایت می‌کند که در حیاط خانه علی را دیده که مقداری خاک برداشته و به کفش‌ها مالیده است. وقتی علت را پرسیده، علی بی‌خیال گفته: «نمی‌خوام بدونن کفش‌هایم نو است. بعضی‌ها پول ندارند کفش بخرند، اگر کفش نو بپوشم، آنها غصه می‌خورند. دوست ندارم آنها به خاطر من غصه بخورند». کتاب زندگینامه و خاطرات این شهید با عنوان «علی بی‌خیال» بتازگی منتشر شده و بزودی در کتابفروشی‌ها عرضه می‌شود.

■■■

فیلم‌های کمدی پیامی به مخاطب منتقل نمی‌کند

نویسنده و منتقد پیشکسوت سینما معتقد است عمده آثار کمدی در سینمای ایران سرگرم‌کننده بوده و پیامی به مخاطب منتقل نمی‌کند. به گزارش سینماسینما، حسین سلطان‌محمدی افزود: اکثر آثار کمدی که این روزها بر پرده سینماها مشاهده می‌کنیم با دیالوگ‌های ساده و بدون هدف مشخص ساخته می‌شوند و فیلمساز سعی دارد به مدت ۹۰ دقیقه مردمی را که دغدغه آلودگی هوا، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و ... دارند، به آرامش روانی برساند. وی با بیان اینکه به دلایل غلط و اشتباه، جامعه ایرانی را مردم غمگین در دنیا تلقی می‌کنند، اظهار کرد: به ما القا کرده‌اند مردمی غمگین هستیم به همین دلیل تهیه‌کنندگان و فیلمسازان از این موقعیت استفاده کرده و با ایفای نقش به چند بازیگر معروف و مشهور، فیلم کمدی می‌سازند و بیشترین دلیل کمدی بودن آن کلام است و منطق و روایت در فیلم مشاهده نمی‌شود. سلطان‌محمدی تصریح کرد: در اکثر آثار کمدی، لودگی وجود دارد و از استاندارد خاصی برخوردار نیستند و در این آثار تماشاچی بیشتر به کلام بازیگر توجه دارد و وقتی الفاظی بیان می‌شود، مخاطب به خنده افتاده و منتظر کلام بعدی در فیلم نیست. وی با بیان اینکه هدف از ساخت فیلم‌های کمدی بیشتر خنداندن مردم برای مدتی کوتاه است، گفت: اینگونه فیلم‌ها بر پرده سینما بازتابی خوبی داشته و از لحاظ اقتصادی نیز سودآور است، به همین دلیل این روزها بیشتر فیلمسازان به سمت تولید فیلم‌های کمدی روی آورده‌اند.

■■■

قطعه موسیقی «اجازه سفر» منتشر شد

قطعه موسیقی «اجازه سفر» که با شعری از علی لواسانی توسط مجید حسین‌خانی خوانده شده، منتشر شد. به گزارش فارس، این اثر به خوانندگی مجید حسین‌خانی، آهنگسازی امیرحسین سمیعی، شعری سروده سیدعلی لواسانی و تنظیم آرمان مهربان، با همکاری معاونت فرهنگی تهران آستان قدس رضوی، در دفتر موسیقی این موسسه تولید شده است. این هفتمین قطعه موسیقی است که «شهرستان ادب» در راستای ترویج موسیقی فاخر و با هدف حمایت از ادبیات انقلاب منتشر می‌کند. شعر «اجازه سفر»، حال و هوای زائری مشتاق در حرم هشتمین خورشید است که هنگام غروب، عرض دردمندی و «تشنگی» خود را پیش حضرت رضا (ع) می‌برد و «اجازه سفر» از ایشان می‌گیرد.